

آیت‌الله محقق داماد نوشته: استفاده از درآمدهای نفتی برای هزینه‌های جاری و عمرانی یا ارزان‌فروشی فرآورده‌های نفتی فاقد وجهت شرعی است.

ضرورت و مصلحت نباید به هنجار مبدل شود!



به گزارش اسپادانا خبر، آیت‌الله محقق داماد در یادداشتی در روزنامه اعتماد نوشت:

به نظر فقهی اینجانب استفاده از درآمدهای نفتی برای هزینه‌های جاری و عمرانی کشور یا ارزان‌فروشی فرآورده‌های نفتی و سایر حامل‌های انرژی فاقد وجهت شرعی است.

عمل مشروع در مورد منابع ملی به طور کلی و از جمله نفت و گاز آن است که این میراث اولاً: با آخرین روش‌های علمی روز دنیا استخراج شود زیرا در فرض عدم استخراج در مخازن مشترک، دیگر کشورها از آن برداشت می‌کنند و افزون بر آن معلوم نیست در آینده‌ای نه چندان دور کم‌ارزش شود و ثانیاً: پس از استحصال، پول به دست آمده از فروش فرآورده‌ها به شکل علمی و اقتصادی با به کارگیری متخصصان اقتصاد و اخذ نظرات آنها صرف سرمایه‌گذاری سودآور و درازمدت شود؛ آن هم به نحوی حساب شده که توازن اقتصادی کشور متزلزل نشود و اصل پول و سرمایه حاصل شده حفظ شود؛ سود به دست آمده آن نه فقط برای هزینه نسل حاضر بلکه به گونه‌ای برای استفاده نسل‌های متمادی نیز آینده‌نگری و دوراندیشی شود.

از نظر شرعی توزیع حامل‌های انرژی در کشور باید به قیمت واقعی عرضه شود و بهای به دست آمده در سرمایه‌گذاری‌ای پایدار ملحوظ شود. به نظر اینجانب بهره‌برداری و مصرف عین منابع انرژی و صرف آن در هزینه‌های جاری نه تنها از اختیارات حاکمیت نیست بلکه آتش زدن در خرمن منابع ملی است و بی‌تردید گناهی نابخشودنی خواهد بود و اگر در این زمینه درست عمل کنیم ممکن است بتوانیم در مدتی معین بخشی از مشکلات ریشه‌ای اقتصادی کشور را گام‌به‌گام حل کنیم.

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است:

ممکن است برخی برای حفظ وضع موجود در استفاده نادرست از اموال ملی نفت و گاز به اصل «مصلحت» متمسک شوند و بگویند اگر قیمت حامل‌های انرژی واقعی شود به مردم فشار می‌آید و موجب افزایش نارضایتی می‌شود. پاسخ من این است که اولاً مصلحت امری است که از نظر فقهی به پشتوانه قاعده «اضطرار» توجیه می‌شود. یعنی تنها قاعدای که مصلحت را توجیه می‌کند، قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» است یعنی ضرورت‌ها باعث می‌شوند، کارهایی که به اجتناب از آنها دستور داده شده است، مجاز شوند.

ضرورت و مصلحت همواره موقت و محدود است و نباید به هموارگی و هنجار مبدل شود. به اصطلاح فقهی «الضرورات تنقذ بقدرها»: ضرورت‌ها به اندازه نیاز محدود است. یعنی ممکن است به حکم اضطرار یک بار از دیوار خانه مردم بالا رفت ولی نمی‌توان این امر را به قاعده‌ای دایمی تبدیل کرد. ثانیاً ناتوانی مدیریت را نمی‌توان با چماق مصلحت پیش برد.

اگر مسوولان و متکفلین امور برای رفع نیازهای عمومی مانند حمل و نقل و نیز مساعدت به نیازمندان برای مصرف انرژی به طور معقول و خردمندانه برنامه‌ریزی کنند و آنگاه پس از جلب اعتماد مردم به صراحت مساله را برای آنان تبیین و توجیه

نمایند آیا باز هم به استفاده از ابزار مصلحت نیاز خواهد بود؟

این نکته نیز قابل ذکر است که برای تامین و تکافل اجتماعی و حمایت از اقشار ضعیف در فقه اسلامی نهادهایی مانند زکات وجود دارد که می‌توان جهت کمک به فقرا از آنها استفاده کرد. به زبان دیگر برای کمک به اقشار نیازمند باید از درآمد(مانند زکات و مالیات) استفاده کرد و نه از انفال که اصل دارایی است. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تقسیم عین انفال حتی به مساوات بین عموم مردم به بهانه کمک به فقرا مطابق با مبانی فقه اسلامی نیست.

درخواست از مراجع

از مراجع تقلید عظام عاجزانه استدعا می‌کنم که به جای طرح مسائل جزئی و حقیر، مسوولان امر را به پاسداری «انفال» متذکر شوند و از آنان حفظ مصالح و منافع ملی را مطالبه کنند که واجبی است شرعی و وظیفه‌ای است الهی و گرنه اگر کشور در امر حامل‌های انرژی اینگونه پیش رود و ثروت‌های خداداد ملی به نحو کنونی تضييع و اتلاف شود، گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌ایم و در تاریخ مورد نفرین نسل‌های آینده قرار خواهیم گرفت.

برچسب ها: [صنعت نفت](#) [1]

[حوزه علمیه](#) [2]

[دولت](#) [3]